

لایه‌های فکری و نمودهای اجتماعی چالش سکولاریسم با اسلام تمدن‌گرا در جمهوری اسلامی

مریم اکبری *

دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۸

مهدی نادری **

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸

چکیده

انقلاب اسلامی ایران متأثر از عقلانیت اسلام شیعی، در پیشبرد اهداف کلان خود، تمدن نوین اسلامی، با چالش‌هایی مواجه است. چالش‌های فکری و به تعبیری «عقلانیت»، بنیادی‌ترین چالش ضد یک نظام فکری است. به نظر می‌رسد عقلانیت سکولار، بنیادی‌ترین چالش پیشروی عقلانیت اسلام تمدن‌گرا، در زمینه و زمانه جمهوری اسلامی است. در این راستا، این نوشتار با کاربست روش کیفی از نوع هرمنوتیک متن‌گرا درصدد پاسخ به این سؤال است: «لایه‌های فکری و نمودهای اجتماعی چالش سکولاریسم با اسلام تمدن‌گرا چیست؟ یافته‌های تحقیق بر این نکته تأکید دارد که ریشه این چالش در مسئله معرفت دینی است. تمایز دوگانه در امر شناخت، منجر به دلالت‌ها و تجویزهای سیاسی- اجتماعی مختلفی در اصول و روند حکمرانی در دوره جمهوری اسلامی گردیده است. امکان یا امتناع علوم انسانی اسلامی، دینی یا عرفی اداره کردن جامعه، تاریخی بودن یا رسالت تمدنی قائل شدن برای انقلاب اسلامی، ذاتی یا عرضی بودن هنجارهای اسلام سیاسی، نظیر استکبارستیزی، از مهم‌ترین نمودهای اجتماعی این چالش است. اقناع فکری و اتقان نظری، لازمه فائق آمدن بر چالش سکولاریسم است که در این نوشتار اجمالاً از نظر اسلام تمدن‌گرا به آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، سکولاریسم، عقلانیت، اسلام تمدن‌گرا

وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، پیام‌آور ارزش‌ها و هنجارهایی برای حیات بشری بوده است که تحقق عینی و کامل آن منوط به طرح و ظهور عالمی (جهانی) دیگر است. تأکید مقام معظم رهبری (دام‌ظله) بر ضرورت بسیج نخبگانی و همگانی بر تشکیل تمدن نوین اسلامی مؤید این مدعاست: «خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است» (بیانات ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). چرایی ضرورت تشکیل تمدن اسلامی در دیدگاه ایشان به ایجاد شرایط لازم برای زندگی مؤمنانه، حیات طیبه، باز می‌گردد: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برساند» (بیانات ۱۳۹۲/۰۶/۱۴).

در رابطه با تمدن نوین اسلامی باید دو ملاحظه مدنظر قرار داد؛ از یک سو، رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، به سهولت ممکن نیست؛ در این مسیر، جامعه انقلابی با دشواری‌ها، سنگ‌اندازی‌ها و دشمنی‌ها مواجه خواهد بود. اگر به تسامح این طیف گسترده از ناملایمت‌ها و تنگناها را «بحران/چالش» بنامیم، می‌توانیم در یک تقسیم‌بندی کلی از دو نوع بحران در این مسیر سخن به میان آورد: ۱. بحران طبیعی: منظور بحرانی است که ضرورتاً ریشه انسانی ندارد (مثل خشک‌سالی، زلزله، سیل و...) ۲. بحران غیرطبیعی: منظور بحرانی است که نقش عامل انسانی در پیشامد آن مشهود است (جنگ، تحریم، ترویج تفکر التقاطی و...). این بحران غیرطبیعی می‌تواند در دو ساحت به وقوع بپیوندد: سپهر نظر (ساحت تفکر و اندیشه) و عرصه عمل (ساحت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی). انقلاب اسلامی از بدو وقوع تاکنون با این بحران‌ها مواجه بوده و از برخی از آن‌ها به سلامت عبور کرده است.

از سوی دیگر، مقام معظم رهبری (دام‌ظله) سیر تکاملی (مراحل پنج‌گانه) برای انقلاب اسلامی قائل‌اند: «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است» (بیانات ۱۳۸۳/۰۸/۰۶) و بر این نکته اذعان و تأکید دارند که وضعیت تاریخی ما در مرحله سوم یعنی تشکیل

دولت اسلامی قرار دارد: «ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما، یعنی مسئولان قوه مجریه، قوه قضاییه، قوه مقننه، که مجموع این‌ها دولت اسلامی است، سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزش‌های اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست» (بیانات ۱۳۸۳/۰۸/۰۶). برای عبور از این مرحله، نخبگان و توده مردم نیازمند نقش‌آفرینی ایجابی و سلبی هستند. از جنبه ایجابی، آن‌ها باید دولت اسلامی را به معنای حقیقی محقق نمایند و از جنبه سلبی، باید بر بحران‌های پیش‌رو فائق آیند. به نظر می‌رسد بتوان مهم‌ترین و چالشی‌ترین بحران پیش‌روی جمهوری اسلامی را ازلحاظ ساحت فکری و عملی «سکولاریسم» دانست؛ از این‌رو، سؤال اصلی این مقاله چنین است: «لایه‌های فکری و نمودهای اجتماعی چالش سکولاریسم با اسلام تمدن‌گرا چیست؟». در این راستا، تمرکز نویسندگان بر آراء و دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، آیت‌الله جوادی املی و مقام معظم رهبری (دام‌ظله) به‌عنوان نمایندگان فکری اسلام تمدن‌گرا و دیدگاه‌های عبدالکریم سروش و مجتهد شبستری به‌عنوان نماینده فکری اسلام سکولار است. روش نویسندگان در پیشبرد مقاله، هرمنوتیک متن‌محور است. هرمنوتیک، روشی برای فهم و ادراک و نه منحصرأ‌متون نوشتاری و معنایی متن است (حریری، ۱۳۸۵، ص ۲۸۱). از چهارسوی هرمنوتیکی یعنی مؤلف، مفسر، متن و زمینه در هرمنوتیک متن‌محور، اصالت بر «متن» اثر است. در راستای کاریست این روش تلاش شده است نخست، به اصل متن متفکران و نه تفاسیر موجود از آن‌ها رجوع شود؛ دوم، به محک‌های اندیشه متفکران اشاره شده است تا از هرگونه قرائت آزاد و بی‌ضابطه در تفسیر متن جلوگیری شود؛ سوم، در فرآیند روش هرمنوتیکی، مفسر تلاش می‌کند هموار با طی طریق کردن از جزء به کل و از کل به جزء به معنای حقیقی متن نزد مؤلف دست یازد.

۱. پیشینه تحقیق

در رابطه با مسئله «سکولاریسم» تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است. بررسی ادبیات علمی در رابطه با موضوع پژوهش حاضر بیانگر دو طیف آثار منتشر شده است: الف. آثاری که به نقد مسئله سکولاریسم در دیدگاه امام خمینی (ره) پرداخته

شده است؛ برای مثال، عیوضی و احمدوند (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) درباره مبانی سکولاریسم» و یا ذبیح‌زاده (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «امام خمینی(ره) و اتخاذ رویکرد کلامی در به چالش کشیدن گفتمان سیاسی سکولار» از جمله این آثار هستند. ب. آثاری که مسئله سکولاریسم را به صورت عام در تفکر سیاسی اسلام بررسی کرده است؛ برای مثال، امیدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های سکولاریستی و حیطه عمل حکومت اسلامی» و کچوییان (۱۳۸۴) در مقاله با عنوان «سکولاریزم و حکومت دینی؛ بررسی انتقادی یک نظریه» به نقد و بررسی سکولاریسم پرداخته‌اند. این مقاله از چند حیث حائز نوآوری است: ۱. چالش عقلانیت دینی و سکولار را در زمینه و زمانه جمهوری اسلامی بررسی می‌کند؛ از این رو، صرفاً اندیشه‌ای نیست بلکه نگاهی جامعه‌شناختی نیز به مسئله پژوهش دارد؛ ۲. در این مقاله، امتداد فکری چالش مذکور در حیات اجتماعی و سیاسی پیگیری می‌شود و ۳. از لحاظ روش نیز مبتنی بر خوانش هرمنوتیکی (متن‌گرا) است.

۲. عقلانیت؛ تأثیرها و تأثیرها (ملاحظات نظری)

آنچه در سپهر نظر، عامل شناخت ماهیت یک تفکر و تفکیک آن از سایر مکاتب فکری و در عرصه عمل، به تفاوت در رفتارها و عملکردها منتهی می‌شود، مربوط به مسئله عقلانیت است. برای این منظور تلاش می‌شود شاکله معنایی عقلانیت در چارچوب مسئله پژوهش تعریف شود.

۱-۲. عقلانیت و انواع آن

در تعریفی ساده و مبنایی می‌توان عقلانیت را «مبنای فکری عمل و ارزیابی» آن دانست (لاریجانی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۴). عقلانیت بر دو قسم است: عقلانیت نظری و عقلانیت عملی. عقلانیت نظری یعنی اینکه میزان پایبندی به یک عقیده را با میزان قوتِ شواهد و قرائنی که آن عقیده را تأیید می‌کند، متناسب کرد؛ و عقلانیت عملی یعنی هر چه بیشتر مسائل را با اهداف برآمده از عقلانیت نظری متناسب و همسو ساخت (Cf. Rescher, 1988, pp.1-16).

۲-۲. عقلانیت و شکل‌گیری تمدن

در پاسخ به این سؤال که چه چیزی تمدن‌ها را می‌سازد و از یکدیگر متمایز می‌کند، پاسخ‌های متفاوتی داده شده است؛ اما به نظر می‌رسد تمدن‌ها با «عمومی، فراگیر و همگانی شدن عقلانیت‌ها» به وجود می‌آیند و با تغییر عقلانیت‌ها، تغییر و با افول آن‌ها، زوال می‌یابند (لاریجانی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۴)؛ از این‌رو، هرگونه اقدامی برای شناخت، تأسیس، اصلاح و تغییر تمدن‌ها منوط به شناخت پایه‌های عقلانیتی است که آن تمدن را شکل می‌دهد.

۲-۳. عقلانیت و منشأ حکمرانی

ازلحاظ منشأ حاکمیت و حکمرانی در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان از حاکمیت دینی یا غیردینی سخن گفت. متناسب با این امر، در امر حکمرانی عقلانیت سیاسی می‌تواند سکولار یا دینی باشد. عقلانیت سیاسی سکولار مبنای نظری و رفتاری حکمرانی را امری بشری و برعکس، عقلانیت دینی مبنای نظری و رفتاری حکمرانی را امری الهی می‌داند (رک. رسولی فینی و حسینی فر، ۱۳۹۵).

۲-۴. عقلانیت و معرفت دینی

معرفت دینی، مجموعه باورهای و شناخت‌های انسان از راه دین و درباره دین است (رک. علی تبار فیروزجانی، ۱۳۸۹، ص ۳۹). حسب منابع، ابزار و داوری که در رابطه با معرفت دینی توسط متفکران مسلمان انجام می‌گیرد، عقلانیت منتج از معرفت دینی، می‌تواند عقلانیت سکولار یا غیرسکولار (دینی) باشد. این عقلانیت سکولار یا غیرسکولار، مبنای نظری رفتار فردی و اجتماعی انسان بوده و اساساً هرگونه ارزیابی و موضع‌گیری در رابطه با حیات سیاسی اجتماعی متأثر از آن است.

۳. دلالت‌ها و چالش‌های معرفت دینی در عقلانیت اسلام تمدن‌گرا و عقلانیت سکولار

نظر به اینکه جدال و تقابل عقلانیت سکولار با عقلانیت غیرسکولار (دینی) ریشه در ادراک دین و دینداری دارد؛ از این‌رو، مهم‌ترین دلالت عقلانیت اسلام تمدن‌گرا از نظر دین‌شناسی و معرفت دینی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳-۱. دلالت‌ها

۳-۱-۱. معرفت دینی

قائلان به عقلانیت اسلامی بر این باورند که برای نائل آمدن به علم و معرفت باید از دو منبع عقل و نقل توأمان در جایگاه مناسب، به‌موقع و به میزان بهره جست. در این نگاه اتکای صرف به نقل، منتهی به نگاه متحجرانه و تبیین راکدانه و جامدانه (نگاه تفریطی) و در نقطه مقابل، اتکای صرف به عقل، به این امر منتهی می‌شود که عقل را میزان دین به شمار آورند و چنانچه چیزی از دین موافق با عقل نبود آن را رد و بر بطلان آن تأکید بنمایند (نگاه افراطی). تأکید صرف به عقل یا نقل منتهی به عقلانیت سکولار می‌شود. برخلاف این دو دیدگاه، در نگاه معتقدان به عقلانیت اسلامی، «عقل مصباح و چراغ دین و در کنار نقل، منبع معرفت بشر از دین و کاشف محتوای اعتقادی و اخلاقی و قوانین فقهی و حقوقی دین است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹-ب، ص ۵۰)؛ از این‌رو، عقل و نقل با یکدیگر دو منبع معرفت‌شناسی دین را تأمین می‌کنند. در واقع دلیل نقلی، قول خدا را بیان می‌کند و دلیل عقلی می‌تواند فعل، حکم و قانون تکوینی و تدوینی را کشف کند و در کنار دلیل نقلی حجّت شرعی به حساب آید (جوادی آملی، ۱۳۸۹-ب، ص ۶۵).

۳-۱-۲. کارکرد دین

در باب جنبه‌های کارکردی دین، دو دیدگاه حداقلی و حداکثری وجود دارد (رک. مجتهدشستری، ۱۳۸۱، ص ۱۱؛ سروش، ۱۳۷۸، ص ۱۱۰). دیدگاه حداقلی متناسب به عقلانیت سکولار است. در این دیدگاه با محصور کردن دین در سعادت اخروی، منکر دخالت دین در عرصه اجتماع و امور سیاسی می‌شوند و به اصطلاح دین را سکولاریزه می‌کند (عباسی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴). در دیدگاه حداکثری، دین حق در همه عرصه‌ها و لایه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان حضور، نفوذ و برنامه دارد (ذوعلم، ۱۳۹۰، ص ۶۱)؛ باین‌حال، امام خمینی (ره) در مورد جامعیت اسلام می‌فرماید: «اسلام برای انسان پیش از آنکه نطفه‌اش منعقد شود تا پس از آن‌که به گور می‌رود، قانون وضع کرده است. همان‌طور که برای وظایف عبادی

قانون دارد، برای امور اجتماعی و حکومتی قانون و راه و رسم دارد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱، ص ۱۲).

۳-۱-۳. قلمرو دین

جماعتی از نواندیشان دینی که از عقلانیت سکولاریستی جانب‌داری می‌کنند، با مطرح کردن بحث ذاتیات و عرضیات یا گوهر و صدف در دین، تلاش کرده‌اند به تفکیک آموزه‌های دینی بپردازند؛ برای مثال، سروش در این‌باره چنین می‌گوید: «اسلام عقیدتی عین ذاتیات و اسلام تاریخی عین عرضیات و مسلمانی در گرو اعتقاد و التزام به ذاتیات» است (سروش، ۱۳۷۷، ص ۱۸). در این نگاه احکام اقتصادی و قضایی و سیاسی دین مختص عصر نبوی بوده و برای امروز مسلمانان کاربردی ندارد و مسلمانان امروز صرفاً باید پیام توحید را از دین پذیرا باشند. آیت‌الله جوادی آملی از طرفداران عقلانیت اسلام تمدن‌گرا، در نقد این دیدگاه چنین می‌فرماید: «سراسر قرآن کریم گوهر و نور است^۱ نه اینکه بخشی از آن صدف و بی‌نور باشد و بتوان آن را به دور انداخت بلکه راه رسیدن به گوهر و لب، همین گوهرهای فرعی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۷۱). در این دیدگاه برخلاف دیدگاه نواندیشان دینی، احکام قضایی، سیاسی و اقتصادی اسلام فرازمانی و فرامکانی است و برای تمامی اعصار و مکان‌ها واجد اعتبار و صلاحیت است.

۳-۱-۴. انتظار بشر از دین

از محورهای دیگری که همواره میان عقلانیت اسلامی و سکولار مورد مناقشه است، مسئله انتظار بشر از دین است. عقلانیت سکولار بر این نکته تأکید دارد که در دوره مدرن، دین تمامی نیازهای انسان مدرن را نمی‌تواند برطرف کند و انتظار چنین مسئله‌ای از دین، انتظار گزافی خواهد بود (سروش، ۱۳۷۸، صص ۷۵-۷۶). در این عقلانیت تنها بر بعد فردی دین و اینکه دین رابطه فرد و خداوند در امر معنوی را می‌تواند تأمین کند، تأکید می‌گردد (مجتهدشبه‌ستری، ۱۳۸۱، ص ۱۹). در مقابل عقلانیت اسلامی با نقد این دیدگاه قائل به تفکیک انتظار صادق از انتظار کاذب بشر است؛ برای مثال، آیت‌الله جوادی آملی در یک تقسیم‌بندی کلی، انتظار را به دو قسم تفکیک می‌کند: «انتظار صادق و حق و انتظار کاذب و باطل». به اعتقاد ایشان، از

منظر قرآن، انتظار کاذب «امنیه‌ای است که شیطان آن را به انسان القا و او را با آن سرگرم می‌کند (لَأْمَنِيَنَّهُمْ)^۲ ولی انتظار صادق، انتظاری است که با واقعیت وجود انسان هماهنگ و سازگار است؛ مانند انتظار لقای الهی که در برخی ادعیه، خداوند را این‌گونه می‌خوانیم (غایة المنی)». به اعتقاد ایشان، برای تمییز انتظارات صادق از کاذب، نیازمند انسان‌شناسی دقیقی هستیم و دین الهی ممیز انتظارات صادق از کاذب است (جوادی آملی، ۱۳۸۹-الف، صص ۲۷-۲۸). آیت‌الله جوادی آملی، در تفکیکی دیگر «انتظارات صادق» را دو قسم می‌داند: «انتظارات اصلی و فرعی». به باور ایشان، انتظارات اصلی انسان در محور اعتقادات و انتظارات فرعی انسان در محور امور از قبیل اخلاق، اقتصاد، بهداشت و ... است (جوادی آملی، ۱۳۸۹-الف، ص ۲۸)؛ از این‌رو، دین تنها پاسخگوی انتظارات صادق (اعم از اصلی و فرعی) و نه انتظارات کاذب است. در این دیدگاه همان‌طور که اشاره شد، برخی از انتظارات بشر، کاذب و از القائنات شیطانی است. از این جهت دین، تنها به نیازهای صادق، مفید و مؤثر در تعالی انسان پرداخته است.

۲-۳. چالش‌ها

در مقام نظر و عمل، عقلانیت اسلام تمدن‌گرا بر دلالت‌های چهارگانه دین‌شناسانه‌ای (تأکید بر معرفت دینی، تأکید بر دین حداکثری، تأکید بر گوهر بودن تمام دین و تأکید بر پاسخگویی به همه انتظارات صادق بشری) تأکید دارد و با هر عقلانیتی که دلالت‌های دین‌شناسانه متغیری داشته باشد، در تضاد و تقابل است. باید توجه داشت که برخی از عقلانیت‌ها در حیات سیاسی و اجتماعی فعال هستند و برخی دیگر غیرفعال (رک. بصیرت‌منش و دیگران، ۱۳۹۷)؛ برای مثال، در دهه ۲۰ و ۳۰ ش عقلانیت اسلامی با عقلانیت مارکسیستی دچار چالش فکری و عملی بوده و در حال حاضر با به حاشیه رفتن مارکسیسم، چنین گسل چالشی فعال نیست (رک. سرپرست سادات، ۱۳۹۷)؛ از این‌رو، می‌توان چالش فکری گفتمان انقلاب اسلامی را که بر اساس عقلانیت اسلام تمدن‌گرا استوار است، با عقلانیت‌های سکولار دانست که در زمینه و زمانه جمهوری اسلامی فعال هستند. مهم‌ترین دلالت‌های برآمده از تقابل دوگانه عقلانیت اسلام تمدن‌گرا با سکولار را می‌توان در قالب

جدول زیر مشاهده کرد. این دلالت‌های معرفتی در عرصه عمل، عمیق‌تر شده و نمود واقعی و عینی‌تر خواهد یافت.

جدول شماره ۱. لایه‌های چالش عقلانیت اسلامی با عقلانیت سکولاری

شاخص‌ها	عقلانیت اسلامی	عقلانیت سکولار
نگاه به معرفت	همروی عقل و نقل و تأکید بر «معرفت دینی»	تفکیک عقل و نقل و تأکید بر «معرفت بشری»
کارکرد دین	تأکید بر دین حداکثری (اسلام سیاسی و دولت دینی)	تأکید بر دین حداقلی (اسلام معنوی و دولت غیردینی)
قلمرو دین	تأکید بر گوهر بودن تمامی دین (معتبر بودن تمامی احکام فردی و اجتماعی دین)	تفکیک ذاتیات از عرضیات (صدف از گوهر) (فاقد اعتبار بودن احکام قضایی، سیاسی و اقتصادی اسلام در عصر مدرن)
انتظارات بشر از دین	پاسخ به همه انتظارات صادق بشری (فردی - جمعی / مادی - معنوی)	پاسخ به انتظارات فردی - الهی بشر (فردی - معنوی)

۴. نموده‌های اجتماعی چالش سکولاریسم با انقلاب اسلامی

۴-۱. هم‌ذات‌پنداری مسیحیت با اسلام انقلابی

برخی از روشنفکران سکولار در تلاش‌اند که بین اسلام انقلابی و مسیحیت این‌همانی ایجاد کنند و معتقدند سرنوشتی که بر سر مسیحیت آمده است، بر سر اسلام انقلابی در دوره جدید نیز می‌آید. به باور آن‌ها، در قرون وسطی، کلیسا و اصحاب آن منبع و منشأ مشروعیت قدرت سیاسی پادشاهان بودند و رفتار و عملکرد آن‌ها و ورود مسیحیت به عرصه سیاست زمینه سکولار شدن مردم و نظام فکری و اندیشگی در غرب شده است. تا زمانی که مسیحیت در غرب حاکمیت دینی داشت،

عملاً مانع از پیشرفت‌های علمی و ظهور مظاهر تمدن بوده است. تمدن لیبرال‌دموکراسی غرب که در حال حاضر تمدن مسلط جهانی است در بستری (زمینه و زمانه) سکولار به وجود آمد (رک. شمسینی غیاثوند، ۱۳۹۲، صص ۶۹-۱۰۸)؛ در این راستا، برخی از روشنفکران داخلی، تلاش متفکران اسلامی برای دینی کردن علوم را همچون اقدامات کلیسای کاتولیک در غرب می‌دانند: «ضربه‌ای که کلیسای کاتولیک از آزمایش ابطال‌کننده نیوتن خورد، ضربه‌ای کمرشکن بود؛ اما این سرنوشتی است که در انتظار هر باور دینی خواهد بود که مدعای کلیسای کاتولیک یا مشابه آن را تکرار کند» (پایا، ۱۳۸۶، ص ۵۶)؛ در حالی که بین مسیحیت و اسلام تفاوت ماهوی و جوهری وجود دارد؛ اسلام ذاتاً دینی سیاسی و اجتماعی است، حال آنکه مسیحیت، در معنای کنونی، دینی تجزیه‌گرا و سیاست است و دین را در دو حوزه متمایز از هم قرار می‌دهد و به جدایی نهاد دین و دولت باور دارد. حکومت در مسیحیت شرناگزیر و در اسلام خیرالهی تلقی می‌شود و اساساً در اسلام وجود وحدت و یکپارچگی بین دین و دولت به عنوان یک اصل مطرح می‌شود (محدثی، ۱۳۸۲، صص ۳۸-۴۰).

با رجوع به متن آثار امام خمینی (ره) این نکته قابل درک است که نقد سکولاریسم از محک‌های اندیشه ایشان است. در نقد این دیدگاه، امام معتقدند که اسلام برخلاف مسیحیت، فقط نماز و عبادت و دعا و رابطه شخصی با خداوند نیست بلکه این تنها بخشی از احکام اسلام است؛ احکام سیاسی و حکومتی در اسلام، جهت تدبیر امور مملکت است (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵، ص ۳۱). ذاتی بودن سیاست در اسلام برخلاف مسیحیت آن قدر مبرهن است که امام خمینی (ره) با قسم جلاله از آن یاد می‌کند: «والله اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده‌اند. سیاست مُلَدُّن از اسلام سرچشمه می‌گیرد. من از آن آخوندها نیستم که در اینجا بنشینم و تسبیح دست بگیرم؛ من پاپ نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسمی انجام دهم و بقیه اوقات برای خودم سلطانی باشم و به امور دیگر کاری نداشته باشم» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵، ص ۲۷۰).

۴-۲. تفکیک و مرزبندی معرفت علمی و دینی

از دیگر نمود عینی چالش سکولاریسم با اسلام انقلابی، تفکیک و مرزبندی معرفت علمی از معرفت دینی است که اساساً توسط برخی از روشنفکران تبلیغ و ترویج می‌شود. این دیدگاه در نهایت مخالف اسلامی شدن علوم و دانشگاه‌هاست؛ از جمله مخالفان نظریه علم دینی سروش است که این دیدگاه را مورد نقد و نفی قرار داده و به عدم موفقیت اسلامی کردن علم معتقد است. وی با اشاره به تجربه ناگوار مکتبی کردن علم در مسیحیت و شوروی بر این باور است کسانی که به دنبال اسلامی کردن علم هستند، بدون توجه به این سابقه تاریخی به دنبال احیای مجدد امری هستند که امتحانش را پس داده است (خسروپناه، ۱۳۸۷، ص ۸۹).

یکی دیگر از مخالفان اسلامی کردن علوم بر این باور است که تلاش‌های انجام‌شده در این زمینه بی‌حاصل بوده است: «در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران کسانی، صدای تولید علم اسلامی را بلند کردند و برای عملی ساختن ایده خود بودجه‌های قابل توجهی را نیز دریافت کردند، اما همان‌گونه که طرح‌های ژنرال ضیاءالحق که صدها میلیارد دلار از کیسه فتوت عربستان سعودی، برای آن‌ها هزینه شده بود، به هیچ جا نرسید، کوشش‌های همتایان ایرانی آنان نیز ظاهراً بی‌نتیجه ماند؛ چراکه شور و هیجان سال‌های اولیه بعد از مدتی از میان رفت و روشن نشد که بودجه‌های مصرف‌شده صرف چه فعالیت‌هایی شد و چه نتایجی بر آن مترتب گردید» (پایا، ۱۳۸۶، صص ۴۰-۴۱).

مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در نقد این دیدگاه با اشاره به این امر که بخش اعظم علوم انسانی کنونی علمی هستند که طی چند قرن اخیر به وجود آمده‌اند و به‌عنوان یک کالای وارداتی به کشورمان وارد شده، خواستار جداسازی ریشه‌های غیردینی یا ضددینی این علوم و اتصال این علوم به سرچشمه‌های دینی و قرآنی آن شدند (بیانات ۱۳۹۶/۰۳/۰۱). ایشان علوم انسانی رایج کنونی را ذاتاً مسموم دانستند که محتوای آن، ماهیتاً در تضاد با نظام اسلامی است و بر اساس جهان‌بینی دیگری غیر از جهان‌بینی الهی بنا نهاده شده است و به‌تبع اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کند؛ از این‌رو، حوزه‌های علمی و دانشمندان دینی را مکلف بر استخراج نظریات دینی از متون اسلامی کردند و بر این باورند که علمای دینی که متخصص دینی‌اند، باید کار

نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی برای هر آنچه جهت اداره یک کشور در نظام اسلامی نیاز است را انجام دهند. در غیر این صورت، این خلأ نظری با نظریه‌پردازی‌های مادی پر خواهد شد (بیانات ۱۳۸۹/۰۷/۲۷).

۴-۳. تفسیر عصری از دین و تقدس‌زدایی از ارزش‌های انقلاب اسلامی

روشنفکران سکولار با تفسیر عصری از دین، اسلام را یک دین غیرقدسی جلوه می‌دهند و برخی از احکام آن را مربوط به دوره پیامبر(ص) به شمار می‌آورند (سروش، ۱۳۷۸، ص ۷۸). تفسیر عصری از دین بدین معناست که اسلام ناظر بر مقتضیات تاریخی و جغرافیایی حجاز مبعوث شده است و احکام آن فرامکانی و فرازمانی نیست. در این دیدگاه باید از اسلام تنها پیام توحید را گرفت و مابقی احکام سیاسی، اقتصادی و قضایی آن را همسو با عقلانیت مدرن تفسیر کرد و احکامی را که تفسیربردار نیست، کنار گذاشت (مجتهدشبه‌ستری، ۱۳۸۱، صص ۱۲-۱۳)؛ در این راستا، محسن کدیور طرح اسلام معنوی را به عنوان بدیلی برای گفتمان اسلام ناب محمدی(ص) در دنیای معاصر مطرح می‌کند. وی با اعتقاد به تاریخی یا سستی بودن اسلام کنونی آن را نقد می‌کند و بر این باور است که برای تحقق اسلام معنوی و همچنین رفع تعارض دین با حقوق بشر، باید این ابعاد مغفول‌مانده از اسلام تاریخی یعنی اعتقاد به جاودانگی احکام شرع، نقل محوری فقه اسلامی و عدم توجه به عقل، غیراخلاقی بودن بعضی از احکام شرع و... را رفع کرد (کدیور، ۱۳۸۷، صص ۱۸-۲۱).

افرادی دیگری همچون مجتهد شبه‌ستری معتقدند آن دسته از احکام موجود در قرآن و سنت رسول اکرم(ص) که مربوط به معاملات و سیاست هستند، برخلاف نظر قائلان به قرائت فقهی - حکومتی دین (به تعبیری قائلان به اسلام انقلابی)، ابدی نیستند بلکه این احکام تنها قادر به تأمین مصالح موقت آن دوره و آن شرایط بوده‌اند. وی در این زمینه می‌گوید: «به نظر ما، طرفداران قرائت رسمی حتی قرائت ارتدکس را که به جامعه سنتی تعلق داشت، نمی‌توانند درک کنند. آن‌ها به جای داده‌های تاریخی که باید مبنای اصلی شناخت قرائت ارتدکس باشد، مفهوم‌های ذهنی و انتزاعی خود را که عمدتاً از سنت فلسفی یونان اخذ شده، معیار قرائت قرار می‌دهند.

... درحالی‌که اگر قرائت ارتدکس را با روش پدیدارشناسی تاریخی مطالعه کنند، معلوم می‌شود که احکام معاملات و سیاست تاریخ‌مند بوده است؛ آن احکام قضایای حقیقیه نبوده‌اند، بلکه قضایای خارجیه‌ای بوده‌اند که تنها مصالح موقت آن عصر و محیط را تأمین می‌کرده‌اند و اصلاً غیرازاین ممکن نبوده است» (مجتهدشبه‌ستری، ۱۳۷۹)^۳.

از دیگر مصادیق تقدس‌زدایی سکولارها از دین و ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌توان به دیدگاه‌های روشنفکر مآبانه در رابطه با حقوق زنان توجه نمود. برخی از روشنفکران سکولار، با نقد دیدگاه اسلام نسبت به زنان، قوانین مصوب بعد از انقلاب اسلامی در ایران برای زنان را تبعیض‌آمیز می‌دانند و در این زمینه به قوانین دیات و شهادت برای زنان اشاره می‌کنند (عبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳).

در نقد این دیدگاه که در قالب اسلام معنوی، اسلام ایمانی، اسلام قدسی یا اسلام رحمانی در جامعه مطرح شده است؛ مقام معظم رهبری (دام‌ظله) رهنمودهایی دارند. از منظر مقام معظم رهبری (دام‌ظله) اسلام رحمانی یک شعار ظاهراً اسلامی است که سعی می‌شود از طریق آن به اشاعه معارفی پرداخت که از لیبرالیسم و غرب نشئت گرفته است (بیانات ۱۳۹۴/۰۴/۲۰). ایشان می‌فرمایند: «گاهی یک شعارهایی داده می‌شود، شعارهای به‌ظاهر اسلامی که باطناً اسلامی نیست؛ «اسلام رحمانی»؛ خب، کلمه قشنگی است، هم اسلامش قشنگ است، هم رحمانی‌اش قشنگ است؛ اما یعنی چه؟ تعریف اسلام رحمانی چیست؟ ... این اسلام رحمانی یک کلیدواژه‌ای است برای معارف نشئت گرفته از لیبرالیسم، یعنی آن چیزی که در غرب به آن لیبرالیسم گفته می‌شود» (بیانات ۱۳۹۴/۰۴/۲۰). از منظر هرمنوتیکی، فرازمانی و فرامکانی بودن احکام شریعت اسلامی در دیدگاه امام خمینی (ره) از محکّمات تفکر اسلامی است؛ از این‌رو، امام خمینی (ره) نیز در نقد این دیدگاه می‌فرماید: «بدیهی است ضرورت اجرای احکام، که تشکیل حکومت رسول اکرم (ص) را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست و پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز ادامه دارد. طبق آیه شریفه، احکام اسلام محدود به زمان و مکانی نیست و تا ابد باقی و لازم‌الاجراست»^۴. ... این حرف که قوانین اسلام تعطیل‌پذیر یا منحصر و

محدود به زمان یا مکانی است، برخلاف ضروریات اعتقادی اسلام است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱، صص ۲۶-۲۷).

۴-۴. تقلیل کارکرد دین و فروکاستن رسالت انقلاب اسلامی

پیشتر گفته شد عقلانیت سکولار مدافع قرائت حداقلی از اسلام است. بر اساس دیدگاه اسلام حداقلی، دین تنها بر یک رابطه معنوی بین انسان و خداوند متعال تأکید دارد و فقط قادر به تأمین سعادت اخروی است و هیچ گونه ارتباطی با امور دنیایی و زندگی اجتماعی انسان ندارد بلکه انسان خود با استمداد از عقل و خرد خویش می‌تواند مسائل و امور مربوط به عرصه اجتماع و سیاست قبیل را اداره و مدیریت نماید (خسروپناه، ۱۳۸۲، صص ۸۹-۹۰)؛ برای مثال، سروش ازجمله سکولارهای معتقد بر دین حداقلی است که در این زمینه چنین می‌گوید: «کسانی می‌گویند که جمع دو مصلحت دنیوی و اخروی در عرض هم می‌کنیم و به یک تیر دو نشانه می‌زنیم. لکن هیئات که این راه بن‌بست است. توفیق در گره‌گشایی‌های دنیوی منوط به آن است که مصالح نهایی در کار نباشد و قانون از روی پیامدهای عاجلش مورد داوری قرار گیرد و اصلاح شود نه از روی عواقب آجل آن» (سروش، ۱۳۸۵، ص ۵۰). یکی از فعالان سیاسی منتقد با طرح دیدگاه‌های مختلف خود به دنبال تقلیل دین و رسالت انقلاب اسلامی است. وی به نقد روحیه مبارزه‌گری در بین ایرانیان پرداخته و معتقد است که چنین روحیه‌ای در بین شیعیان وجود ندارد و بر غیرسیاسی بودن مذهب تشیع تأکید دارد. وی ارزش آمریکاستیزی را منحصر به یک مقطع زمانی خاصی می‌داند که اکنون دیگر به پایان رسیده و هم‌اکنون در دنیا شأن و ارزشی ندارد.^۵

مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در نقد این دیدگاه معتقدند غرب و به تبع آن روشنفکران سکولار، پیوسته در تلاش برای فروکاستن رسالت سیاسی انقلاب اسلامی و تقلیل آن به معنویت صرف است؛ آنان عمل برخی از مقدس‌مآبان مبنی بر پرهیز از سیاست را به عنوان وسیله‌ای در دست گرفتند و با تبلیغات سوء خود به این مسئله دامن زدند که باید دین و سیاست را از هم جدا کنید، درحالی‌که از منظر ایشان این دو، در اسلام با هم آمیخته شده‌اند و وحی الهی سرچشمه این دو است، در اسلام هم

توجه به معنویت هست هم توجه به سیاست و هریک از این دو در اسلام بدون هم، معنا ندارند (بیانات ۱۳۸۵/۰۵/۳۱). همچنین در نقد دیدگاه روشنفکران، امام خمینی (ره) دارای نگاه حداکثری به اسلام و احکام و قوانین اسلامی است و در این زمینه اذعان دارند: «اسلام برای همه امور قانون و آداب آورده است. برای انسان پیش از آنکه نطفه‌اش منعقد شود تا پس از آنکه به گور می‌رود، قانون وضع کرده است. همان‌طور که برای وظایف عبادی قانون دارد، برای امور اجتماعی و حکومتی، قانون و راه و رسم دارد. حقوق اسلام یک حقوق مترقی و متکامل و جامع است. کتاب‌های قطوری که از دیرزمان در زمینه‌های مختلف حقوقی تدوین شده، از احکام «قضا» و «معاملات» و «حدود» و «قصاص» گرفته تا روابط بین ملت‌ها و مقررات صلح و جنگ و حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی، شمه‌ای از احکام و نظامات اسلام است. هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن مقرر نداشته و حکمی درباره آن نداده باشد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱، ص ۱۲).

برخلاف منتقدان سیاست استکبارستیزی، از منظر هرمنوتیکی این نکته قابل اتکاست که مقام معظم رهبری (دام‌ظله) مسئله استکبارستیزی را یک امر جوهری و ذاتی در اسلام می‌داند که از گذشته تاکنون در مقابل ولایت حق صف‌آرایی کرده است: «استکبار یک واژه قرآنی است که در قرآن درباره امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حق و حقیقت به کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است تا امروز هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روش‌ها در هر زمانی تفاوت می‌کند. امروز هم نظام استکباری وجود دارد؛ رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده آمریکاست» (بیانات ۱۳۹۲/۰۸/۲۹). در این راستا، امام خمینی (ره) نیز توجه به «مصالح مستضعفان در قبال مستکبران» در دنیای امروز را طریقه حضرت موسی (ع) بر ضد فرعون، حضرت ابراهیم (ع) در مقابل نمروود و پیامبر اکرم (ص) در مقابل قدرتمندان حجاز می‌داند. از نظر هرمنوتیکی مقابله استکبارستیزانه پیامبران در دعوت الهی نشانگر جاری و ساری بودن احکام سیاسی اسلام در زمان حال و آینده خواهد بود (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۲۸۹؛ ج ۴، ص ۱۹؛ همچنین، رک. نادری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷-۱۴۰).

جدول شماره ۲. نمودهای عینی چالش سکولاریسم با اسلام تمدن‌گرا

نمودها	دلالت عقلانیت سکولار	نقد عقلانیت اسلامی
هم‌ذات‌پنداری مسیحیت با اسلام انقلابی	یکی پنداشتن ماهیت و فرجام ادیان (مسیحیت با اسلام)	تفاوت جوهری و ماهوی داشتن اسلام با مسیحیت
تفکیک و مرزبندی معرفت علمی و دینی	امتناع شکل‌گیری یا تولید علوم انسانی اسلامی	امکان و ضرورت شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی
تفسیر عصری از اسلام و تقدس‌زدایی از ارزش‌های انقلاب اسلامی	پاسخگو نبودن اسلام عصر نبوی برای مسائل انسان مدرن و ضرورت خوانش مدرن از اسلام	پاسخگو بودن اسلام ناب محمدی برای تمامی اعصار و مکان‌ها
تقلیل دین و رسالت انقلاب اسلامی	تأکید بر کارکرد فردی عبادی اسلام و لزوم اجتناب از پیوند زدن ارزش‌های انقلاب اسلامی با تفکر دینی (مثلاً مخالفت با استکبارستیزی)	لزوم اهتمام به کارکردهای اجتماعی دین و عملیاتی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در فضای رفتاری و گفتمانی انقلاب اسلامی (تأکید بر استکبارستیزی)

نمودهای عینی چالش‌های عقلانیت اسلامی
با عقلانیت سکولار و برخی از راهکارها

جمع‌بندی

باید توجه داشت که تفاوت ماهوی انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های جهان، در محتوا و ماهیت دینی آن بوده و خواهد بود. صیانت از این امر، منوط به شناخت چالش‌های انقلاب اسلامی با دیدگاه‌های معارض و رقیب است. چالش‌های فکری که بر پایه عقلانیت استوارند، یکی از بنیادی‌ترین چالش‌های نظام اجتماعی است. عقلانیت اسلام تمدن‌گرا در مسیر شکل‌گیری، حفظ و تداوم گفتمان انقلاب اسلامی، با عقلانیت‌های معارض چالش‌های فکری و عملی داشته است. بی‌تردید عقلانیت سکولار فعال‌ترین عقلانیت معارض با عقلانیت اسلام تمدن‌گراست که برای فائق آمدن بر آن، شناخت لایه‌های فکری و نمودهای اجتماعی این چالش لازم و ضروری است. اسلام تمدن‌گرا در زمینه و زمانه جمهوری اسلامی در راستای اهداف تمدنی (شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی) سیاست‌ها و برنامه‌های کلانی نظیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، علوم انسانی اسلامی، نهادینه کردن مردم‌سالاری

دینی، مقاومت اسلامی، اقتصاد مقاومتی، تبیین و ترویج سبک زندگی اسلامی را در امر حکمرانی، در دستور کار قرار داده است. این سیاست‌ها و برنامه‌ها همواره از جانب برخی از روشنفکران و نخبگان فکری مورد نقد و انتقاد قرار گرفته است. در این نوشتار تلاش شد ریشه نگاه‌های انتقادی و دلالت‌های اجتماعی آن مورد واکاوی قرار گیرد. بر این اساس می‌توان اذعان کرد رویکرد و نگاه سکولاریستی منتقد آن‌قدر متقین دیدگاه روشنفکران در نقد برنامه‌ها و سیاست‌های حاکمیتی جمهوری اسلامی است. تفاوت در مبانی و دیدگاه‌های نظری، ماهیتاً متفاوت با اختلافات ناشی از سلايق مدیریتی و اجرایی، منتقدان و مخالفان حکومت است. برای فائق آمدن بر چالش‌های فکری و نظری که ریشه در عقلانیت‌های معارض دارند؛ گام اول، مجاهدت فکری و گفتمان سازی علمی مستدل بر دلیل و برهان برای توجیه مدعا و اقناع افکار عمومی است.

یادداشت‌ها

۱. «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» (مائده: ۱۵).
۲. «وَلَا ضَلَالَتُهُمْ وَلَا مَنِيْنُهُمْ وَلَا مَرْئِيْنُهُمْ فَلْيُبَيِّنْ لَهُمْ آيَاتِنَا أَنْ لَا تُغْفِرَ لَهُمْ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (نساء: ۱۱۹).
3. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/38016>
- زیباکلام، ۱۳۹۱/۰۱/۳۰. 2. www.zibakalam.com
۴. آیات: ۵۲ سوره ابراهیم؛ ۲ سوره یونس؛ ۴۹ سوره حج؛ ۴۰ سوره احزاب و ۷۰ سوره یس.

کتابنامه

- امیدی، مهدی (۱۳۸۷). «چالش‌های سکولاریستی و حیطة عمل حکومت اسلامی»، فصلنامه معرفت، ش ۱۲۴.
- بصیرت‌منش، حمید؛ ملایی توانی، علیرضا و باوریان، فریده (۱۳۹۷). «بررسی روند جدایی جریان ملی‌گرا از ائتلاف انقلابی در دوران تثبیت و نهادسازی پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۱(۳)، ۱۵۵-۱۸۳.
- بیانات مقام معظم رهبری در سایت Khamenei.ir.

- پایا، علی (۱۳۸۶). «ملاحظات نقدانه درباره دو مفهوم علم دینی و علم بومی»، *مجله حکمت و فلسفه*، سال سوم، ش ۲-۳، ۳۹-۷۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *دین‌شناسی*، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی (۱۳۸۹-الف). *انتظار بشر از دین*، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی (۱۳۸۹-ب). *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، قم: نشر اسراء.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲). *گستره شریعت*، تهران: دفتر نشر معارف، چاپ اول.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۷). «آسیب‌شناسی انکار علم دینی»، *مجله مطالعات معرفتی*، دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، ش ۲، ۸۷-۱۱۷.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چ ۱۴.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۱). *ولایت فقیه: حکومت اسلامی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چ ۲۸.
- ذبیح‌زاده، علینقی (۱۳۹۲). «امام خمینی (ره) و اتخاذ رویکرد کلامی در به چالش کشیدن گفتمان سیاسی سکولار»، *معرفت سیاسی*، سال پنجم، بهار و تابستان، ش ۱ (پیاپی ۹).
- ذوعلم، علی (۱۳۹۰). «دین حداقلی و دین حداکثری و نسبت آن با سکولاریسم: انسان به جای خدا»، *ماهنامه زمانه*، ش ۲۱-۲۲، ۵۹-۶۱.
- رسولی فینی، مهدی و حسنی فر، عبدالرحمن (۱۳۹۵). «مبانی و چارچوب‌های عقلانیت سیاسی از منظر قرآن کریم»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، س ۷، ش ۲۹.
- زیباکلام، صادق (۱۳۹۱). «آمریکا و آمریکاستیزی»، *مصاحبه با خبرآن‌لاین*. تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۰۱/۳۰. در: www.zibakalam.com.
- سرپرست سادات، سید ابراهیم (۱۳۹۷). «الگوشناسی و بازشناسی انتقادی مردم‌سالاری نزد جریان سیاسی سوسیالیسم ایرانی دوره پهلوی دوم»، *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، (۲) ۱، ۹۱-۱۲۶.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷). «ذاتی و عروضی در دین»، *مجله کیان*، ش ۴۲.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). *بسط تجربه نبوی*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.

- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۵). *بسط تجربه نبوی؛ مجموعه کلام جدید-۷*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- شمسینی غیاثوند، حسن (۱۳۹۲). «سکولاریسم در گفتمان روشنفکران دهه چهارم انقلاب اسلامی ایران»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، پاییز، ش ۳۴.
- عبادی، شیرین (۱۳۸۸). «زنان را در این سال‌ها محدود کردند»، *مجله بازتاب اندیشه*، ش ۱۰۹، ۱۳۹-۱۶۶.
- عباسی، ولی‌الله (۱۳۸۳). «نظریه دین حداکثری؛ درآمدی بر قلمرو گستره دین از منظر استاد مطهری»، *مجله علمی-ترویجی قبسات*، ش ۳۰-۳۱، ۱۳۳-۱۶۲.
- علی‌تبار فیروزجایی، رمضان (۱۳۸۹). «ارزش و اعتبار معرفت دینی از منظر جریان‌های فکری»، *معرفت کلامی سال اول*، ش ۳.
- عیوضی، محمدرحیم؛ و احمدوند، ولی‌محمد (۱۳۸۸). «دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) درباره مبانی سکولاریسم»، *فصلنامه فرهنگ-ارتباطات*، دوره ۱۰، ش ۶ (پیاپی ۳۸).
- کچویان، حسین (۱۳۸۴). «سکولاریزم و حکومت دینی: بررسی انتقادی یک نظریه»، *نشریه علوم سیاسی، زمستان*، ش ۴ (پیاپی ۳۲).
- کدیور، محسن (۱۳۸۷). «نواندیشی دینی طریقت است، نه موضوع»، *مجله بازتاب اندیشه*، ش ۱۰۷، ۱۸-۲۵.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۹۴). *نقد دینداری و مدرنیسم*، تهران: اطلاعات.
- مجتهدشبه‌ستری، محمد (۱۳۷۹). «نقدی بر قرائت رسمی از دین». *مجله بازتاب اندیشه*، شماره ۱۲. در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/38016/>
- مجتهدشبه‌ستری، محمد (۱۳۸۱). *نقدی بر قرائت رسمی از دین*، تهران: طرح نو.
- محدثی، حسن (۱۳۸۲). «آیا اسلام تمایز جوهری با مسیحیت دارد؟ نقدی بر یک دیدگاه در ۳ کتاب»، *مجله اخبار ادیان*، ش ۱، ۳۸-۴۵.
- نادری، مهدی (۱۳۹۴). «مبانی و مستندات سیاست استکبارستیزی در دیدگاه امام خمینی (ره)»، *مجله مطالعات بیداری اسلامی*، سال چهارم، ش ۸، ۱۲۷-۱۴۰.
- نقد نظرات زیباکلام، «علل مبارزه با استکبار»، مشاهده در: سایت پرسمان ۱۳۹۳/۰۱/۵: www.siasi.porsemani.ir